



## بررسی علل بروز اختلافات خانوادگی، تهدیدی برای بهداشت روان در ازدواج از دیدگاه زوج های جوان در شهر یزد

نویسندگان: دکتر محمود وکیلی \* زهره رهائی \*\* سهیلا محمدی \*\*

\* متخصص پزشکی اجتماعی، استادیار دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

### طلوع بهداشت

#### چکیده

ازدواج به عنوان مهمترین و عالی ترین رسم اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی و امنیتی افراد بزرگسال همواره مورد تایید بوده است. در نقطه مقابل یکی از دردناک ترین مسائل اجتماعی قابل بحث در جامعه ما و اکثر جوامع مسئله ستیزه خانوادگی و طلاق می باشد که متأسفانه آمار آن روز به روز در حال افزایش است. متأسفانه آمارهای موجود از سال ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۲ بیانگر رشد منفی ازدواج و رشد مثبت طلاق در استان یزد است که حتی از میانگین کشور نیز بالاتر می باشد.

با توجه به آمار مذکور و از آنجائیکه اختلافات خانوادگی و طلاق عامل اصلی بسیاری از اختلالات روانی مانند افسردگی، اضطراب و کاهش سطح بهداشت روانی در زندگی زناشویی هستند، برآن شدیم که به بررسی علل این اختلافات از نظر زوج های جوان شهر یزد بپردازیم.

این یک مطالعه توصیفی تحلیلی می باشد. اطلاعات مربوط به تعداد ۲۵۰ زوج جوان مراجعه کننده به مرکز مداخله در بحران سازمان بهزیستی یزد در سالهای ۱۳۸۲، ۱۳۸۳ و نیمه اول سال ۱۳۸۴ از طریق پرسشنامه ای مشتمل بر اطلاعات دموگرافیکی و سوالات باز در مورد متغیرهای مورد نظر و علل اختلاف جمع آوری شده، با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمونهای آماری مناسب تجزیه و تحلیل شدند.

مهم ترین علل اختلاف از دید زوج به ترتیب؛ دخالت اطرافیان ۱۶/۸٪، عدم تفاهم ۷/۲٪، عدم تمکین ۶/۸٪، عدم مسئولیت پذیری ۶٪، عدم علاقه ۴/۴٪ و از دید زوجه به ترتیب؛ دخالت اطرافیان ۱۸/۸٪، ضرب و شتم ۱۸/۴٪، عدم مسئولیت پذیری ۱۱/۶٪، اعتیاد ۱۱/۲٪ و بدبینی زوج ۸/۸٪ بود. در نتیجه تلاش ها و اقدامات مرکز ۳۴/۱٪ زوج ها با هم سازش کرده بودند.

در این مطالعه سازش یا عدم سازش زوج ها با شغل، سن ازدواج، اختلاف سنی، تعداد فرزندان، سابقه طلاق در خانواده، شیوه و میزان آشنایی، فاصله عقد و عروسی، نحوه ارتباط با خانواده همسر، سابقه اعتیاد، زمان شروع اولین اختلاف و فاصله ازدواج تا مراجعه به مرکز جهت حل اختلاف رابطه معنی داری نداشت ولی رابطه سازش یا عدم سازش زوج ها با میزان تحصیلات ( $P=0/02$ ) و بعد خانوار زنان ( $P=0/008$ ) معنی دار شد. هم چنین رابطه معناداری بین ازدواج تحمیلی ( $P=0/01$ )، سابقه ازدواج قبلی مردان ( $P=0/02$ ) و سابقه جرم ( $P=0/03$ ) با سازش یا عدم سازش به دست آمد.

با توجه به نتایج این پژوهش برای ارتقاء بهداشت روانی خانواده ها و کاهش اختلافات خانوادگی و طلاق در جامعه لازم است جوانان قبل از ازدواج با دید باز تر و شناخت کامل تری نسبت به خصوصیات اخلاقی، رفتاری و برنامه های آینده طرف مقابل در زندگی مشترک و با توجه خاص به ویژگی های فرهنگی و اعتقادی فرد و خانواده او اقدام به ازدواج کنند. سازمان های فرهنگی مربوطه نیز باید برای زوج های جوان کلاس های آموزش زندگی و ارتقاء بهداشت روانی دایر کرده و حدود مسئولیت ها و وظایف زوج ها در زندگی مشترک و چگونگی حل مشکلات، قبل از عمیق شدن آن را بیاموزند.

#### کلمات کلیدی

اختلافات خانوادگی، طلاق، بهداشت روانی، زوج های جوان، یزد

#### فصلنامه پژوهشی

دانشکده بهداشت یزد

سال ششم

شماره اول

بهار ۱۳۸۶



## مقدمه

ازدواج به عنوان مهم ترین و عالی ترین رسم اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی و امنیتی افراد بزرگسال همواره مورد تایید بوده است. ازدواج رابطه ای انسانی، پیچیده، ظریف و پویا می باشد که از ویژگی های خاصی برخوردار است. هم چنین با توجه به کانون خانواده، محیط سالم، سازنده، روابط گرم و تمایلات بین فردی صمیمی که می توانند موجب رشد و پیشرفت و ارتقاء بهداشت روانی افراد گردند از جمله اهداف و نیازهای ازدواج محسوب می شود.

در خانواده ای که فضای حاکم بر آن سرشار از صفا و صمیمیت است، علاقه و تعاون بین اعضای آن حکمرماست و شخصیت هر فرد مورد احترام بوده و ارزش و احترام هر کس به میزان تقوی، معلومات و گذشت بیشتر می باشد، نیازهای اساسی افراد تامین شده و هرگز جوی برای جدایی و فرار اعضای آن پدید نخواهد آمد.

در نقطه مقابل یکی از دردناک ترین مسائل اجتماعی قابل بحث در جامعه ما و اکثر جوامع، مسئله ستیزه خانوادگی و طلاق می باشد که متأسفانه آمار آن روز به روز در حال افزایش است. پیشرفت روز افزون تکنولوژی و صنعت و شهرنشینی باعث ازدیاد مسائل بهداشت روانی و مشکلات بسیاری چون انحرافات، بزهکاری ها، جرم ها و جنایات، خودکشی ها و شاید از همه مهمتر در واقع منشا اکثر انحرافات یعنی ستیزه های خانوادگی و طلاق می باشد (۱).

افزایش روز افزون اختلافات خانوادگی و طلاق در دنیای کنونی هرچند که در مقیاس بسیار کمتر متأسفانه جامعه فعلی ما را نیز در بر گرفته است و نارضایتی زن و شوهر از یکدیگر و نیز از هم گسیختگی کانونهای گرم بسیاری از خانواده ها و تأثیرات سوء این جدایی بر افراد خانواده، نیاز رسیدگی و رفع این مشکل را مطرح ساخته است (۱).

اگر به طور متوسط تعداد فرزند هر خانواده یک نفر در نظر گرفته شود، در هر طلاق سه نفر دچار عوارض

ناشی از جدایی و از هم پاشیدگی خانوادگی می شوند و انرژی جسمی و روانی این افراد که باید در جهت سازندگی و روند تکاملی صرف شود برای تخریب به کار گرفته می شود. علاوه بر آن باید توجه داشت که بسیاری از اختلافات خانوادگی به طلاق نمی انجامد و مشکلات خانوادگی به شکل مزمن باقی می ماند که تعداد این قبیل خانواده ها نیز بسیار زیاد است (۲).

طلاق پدیده ای است که دامنه آن شیوع بیشتری نسبت به گذشته پیدا کرده است و آمارهای قابل توجهی از آن در نقاط مختلف کشور منتشر می گردد. نگاهی گذرا به آمار طلاق در ایران نشان می دهد که در سال ۱۳۷۵ در برابر هر ۴۷۹ هزار و ۲۶۳ ازدواج، ۳۷ هزار و ۸۱۷ طلاق در کشور ثبت شده است درحالیکه این آمار در سال ۱۳۸۱ به ۶۵۰ هزار و ۹۶۰ ازدواج در برابر ۶۷ هزار و ۲۵۶ طلاق می رسد (۳).

استان یزد نیز به عنوان بخش کوچکی از کشور پهناور ایران از بروز این پدیده سهمگین به دور نیست. متأسفانه آمارهای موجود از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ بیانگر این موضوع است که آمار ازدواج در استان یزد رشد منفی داشته و همین طور در برابر آن آمار طلاق رشد نشان می دهد که حتی از میانگین کشور نیز بالاتر است (۴).

با توجه به آمارهای مذکور و از آنجا که اختلافات خانوادگی و طلاق عامل اساسی بسیاری از اختلالات روانی مانند افسردگی، اضطراب، دردهای جسمی و روانی، خودکشی و در مجموع کاهش سطح بهداشت روانی در خانواده ها هستند بر آن شدیم که به بررسی علل بروز این اختلافات از دیدگاه زوج های جوان شهر یزد بپردازیم.

## روش بررسی

مطالعه حاضر توصیفی تحلیلی بوده و به روش مقطعی انجام شده است. با استفاده از روش سرشماری ۲۵۰ زوج جوان مراجعه کننده به مرکز مداخله در بحران سازمان بهزیستی درسالهای ۱۳۸۳، ۱۳۸۲ و نیمه اول



پرخاشگری (۱۸/۴٪)، عدم مسئولیت پذیری (۱۱/۶٪)، سوء ظن و بدبینی (۸/۸٪) و عدم تفاهم (۸/۴٪) بوده است (نمودار ۱).

طبق نتایج ۲۰/۴٪ مراجعین زن از روی اجبار تن به ازدواج داده بودند که ۷۲٪ آنان نهایتاً با همسران خود سازش نکرده بودند. از نظر آماری نیز رابطه معناداری بین اختیاری یا تحمیلی بودن ازدواج و سازش یا عدم سازش زوج‌ها دیده شد ( $P=0/01$ ).

نتایج این تحقیق نشان داد که ۵/۶٪ مردان و ۵/۲٪ زنان مراجعه کننده به مرکز سابقه ازدواج قبلی داشتند که ۸۳/۳٪ مردان و ۷۲/۷٪ زنان مذکور با همسران خود سازش نکرده بودند. رابطه بین متغیرهای فوق از نظر آماری نیز معنادار شد ( $P=0/02$ ). هم چنین از نظر آماری رابطه معناداری بین سابقه جرم زوج‌ها و سازش یا عدم سازش آنها به دست آمد ( $P=0/0001$ ). ۱۲٪ مردان و ۲/۴٪ زنان مراجعه کننده سابقه جرم داشتند که از این تعداد ۷۵٪ مردان و ۱۰۰٪ زنان با همسران خود سازش نکرده بودند. از بین زوج‌های مراجعه کننده به مرکز ۱۶٪ مردان و ۰/۸٪ زنان نیز سابقه اعتیاد به مواد مخدر داشتند اما از نظر آماری بین سابقه اعتیاد و سازش یا عدم سازش زوج‌ها رابطه معناداری دیده نشد.

نتایج این تحقیق بیانگر این است که بیشترین میزان مراجعه کنندگان به مرکز (۶۸/۴٪) قبل از ازدواج هیچ گونه آشنایی نسبت به هم نداشتند اما از نظر آماری رابطه معناداری بین متغیر مذکور و سازش یا عدم سازش زوج‌ها نشان داده نشد.

هم چنین نتایج این تحقیق در خصوص نحوه ارتباط زوج‌ها با خانواده همسرانشان (جدول شماره ۳) بیانگر این است که زوج‌هایی که با خانواده همسرشان اصلاً ارتباط نداشتند بیشترین درصد عدم سازش (۶۸/۸٪) در مردان و ۶۶/۷٪ در زنان را به خود اختصاص داده اند اما از نظر آماری بین نحوه ارتباط با خانواده همسر و سازش یا عدم سازش زوج‌ها نیز رابطه معناداری دیده نشد.

سال ۱۳۸۴ که حداکثر ۱۰ سال از زمان ازدواج آنها گذشته بود، انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای مشتمل بر اطلاعات دموگرافیک و سوالاتی در مورد متغیرهای مورد نظر بود که تعدادی از این سوالات به صورت باز طراحی شده بودند. پرسشنامه‌های مذکور با استفاده از پرونده‌های موجود در مرکز مداخله در بحران تکمیل گردیدند و سپس داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها وارد کامپیوتر شده، با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. تست‌های آماری مورد استفاده  $t$ -test، ANOVA و کای دو بوده است.

## نتایج

در این پژوهش ۲۵۰ زوج مورد مطالعه قرار گرفتند که میانگین سنی مردان  $28/7 \pm 6/8$  سال، میانگین سنی زنان  $24/3 \pm 5/9$  و میانگین اختلاف سنی آنها  $4/79 \pm$  بوده است. میزان تحصیلات زوج‌ها از ابتدایی تا لیسانس و بالاتر متغیر بود (جدول شماره ۱) که از نظر آماری بین میزان تحصیلات زنان و سازش یا عدم سازش و طلاق زوج‌ها رابطه معناداری به دست آمد ( $P=0/02$ ). اکثر مراجعین زن (۸۴/۴٪) خانه دار و حدود نیمی از مراجعین مرد (۵۴/۴٪) در بخش آزاد شاغل بودند، ۱۶/۴٪ مردان کارگر، ۱۵/۲٪ کارمند و ۱۰/۸٪ بیکار بودند. میانگین بعد خانوار مردان  $7/6 \pm 2/19$  نفر و میانگین بعد خانوار زنان  $7/3 \pm 2/09$  نفر بود که رابطه بعد خانوار زنان و سازش یا عدم سازش و طلاق زوج‌ها با  $P=0/008$  معنادار شد (جدول شماره ۲).

نتایج این پژوهش گویای این است که مهمترین علل اختلاف از دید زوج به ترتیب؛ دخالت اطرافیان (۱۶/۸٪)، عدم تفاهم اخلاقی (۷/۲٪)، عدم تمکین (۶/۸٪)، عدم مسئولیت پذیری (۶٪)، عدم علاقه (۴/۴٪) و از دید زوج به ترتیب دخالت اطرافیان (۱۸/۸٪)، ضرب و جرح و



۳۴/۱٪ زوج ها با هم سازش کرده بودند اما متأسفانه ۳۹/۷٪ آن ها حاضر به ادامه زندگی نشده بودند. لازم به ذکر است که پرونده ۱/۱۸٪ زوج ها به دلیل عدم همکاری یکی از آن ها مختومه شده و پرونده ۱/۸٪ آن ها نیز در دست اقدام است.

طبق نتایج زمان شروع اولین اختلاف اکثر زوج ها (۵۷/۱٪) در شش ماه اول زندگی بود در حالیکه میانگین فاصله ازدواج تا زمان مراجعه زوج ها به مرکز ۲/۵۱ ± ۳/۷ سال به دست آمد و تنها ۲/۵٪ زوج ها طی یک سال اول زندگی جهت حل اختلاف به مرکز مراجعه کرده بودند. در نتیجه تلاش ها واقدامات مرکز

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی زوج های جوان بر حسب میزان تحصیلات

میزان تحصیلات	فراوانی مرد ( درصد)	فراوانی زن ( درصد)
ابتدایی	۶۱(۲۴/۴)	۳۲(۱۲/۸)
راهنمایی	۶۹(۲۷/۶)	۷۲(۲۸/۸)
دیپلم	۷۹(۳۱/۶)	۱۰۹(۴۳/۶)
لیسانس و بالاتر	۴۱(۱۶/۴)	۳۷(۱۴/۸)
جمع کل	۲۵۰(۱۰۰)	۲۵۰(۱۰۰)

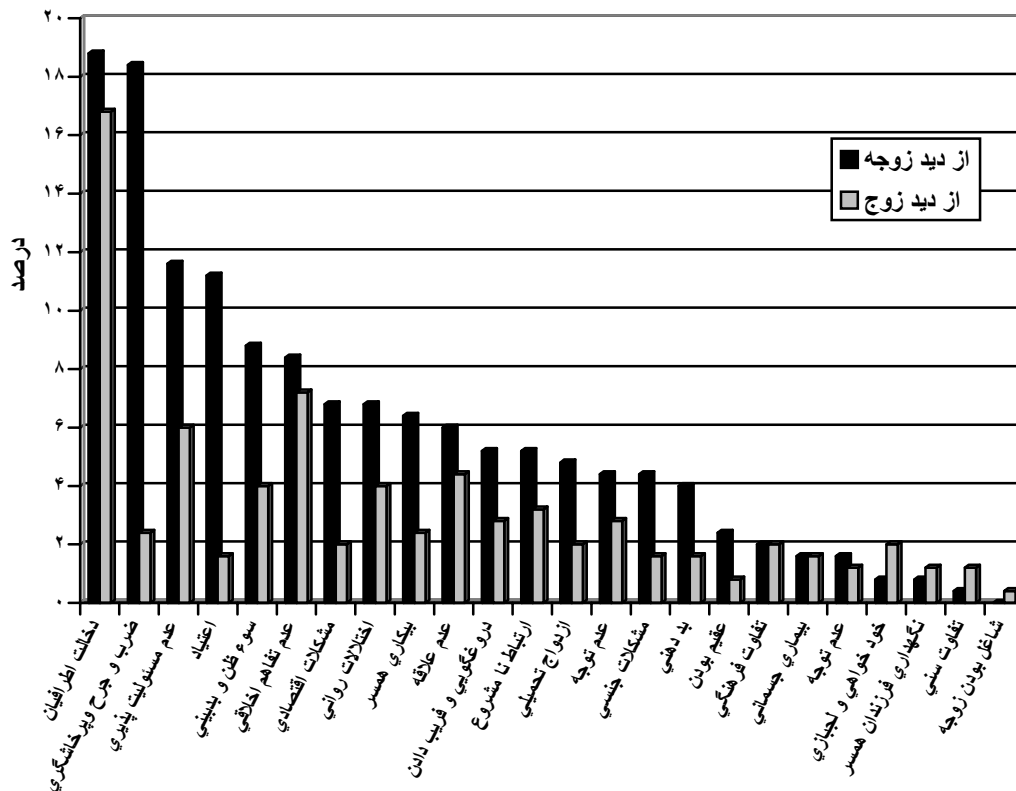
جدول شماره ۲: نتیجه اقدامات مرکز مداخله در بحران بهزیستی بر حسب بعد خانوار پدری زوج و زوجه

بعد خانوار پدری	مرد			زن		
	سازش(%)	عدم سازش(%)	جمع(%)	سازش(%)	عدم سازش(%)	جمع(%)
≤۵	۱۳(۴۴/۸)	۱۶(۵۵/۲)	۲۹(۱۰۰)	۱۲(۳۶/۴)	۲۱(۶۳/۶)	۳۳(۱۰۰)
۶-۸	۴۳(۴۵/۷)	۵۱(۵۴/۳)	۹۴(۱۰۰)	۴۸(۴۷/۵)	۵۳(۵۲/۵)	۱۰۱(۱۰۰)
≥۹	۲۹(۵۳/۳)	۲۵(۴۶/۳)	۵۴(۱۰۰)	۲۵(۵۸/۱)	۱۸(۴۱/۹)	۴۳(۱۰۰)
جمع	۸۵(۴۸)	۹۲(۵۲)	۱۷۷(۱۰۰)	۸۵(۴۸)	۹۲(۵۲)	۱۷۷(۱۰۰)



جدول شماره ۳: توزیع فراوانی زوج های جوان برحسب نحوه ارتباط با خانواده همسر

نحوه ارتباط با خانواده همسر	مرد فراوانی (درصد)	زن فراوانی (درصد)
اصلا ارتباط ندارد	۲۱ (۱۰/۲)	۱۶ (۷/۴)
رابطه خوبی ندارد	۷۴ (۳۵/۹)	۶۰ (۲۷/۹)
رابطه کم و محدود	۲۱ (۱۰/۲)	۳۱ (۱۴/۴)
رابطه خوب	۹۰ (۴۳/۷)	۱۰۸ (۵۰/۳)
جمع کل	۲۰۶ (۱۰۰)	۲۱۵ (۱۰۰)



نمودار شماره ۱: توزیع فراوانی نسبی علل اختلافات خانوادگی از نظر زوج های جوان

عدم مسئولیت پذیری، عدم علاقه و از دید زوجه به ترتیب؛ دخالت اطرافیان، پرخاشگری و ضرب و شتم، عدم مسئولیت پذیری، اعتیاد و سوء ظن و بدبینی زوج می باشد. اکثر این علل به نامناسب بودن ازدواج برمی گردد. در مطالعات دیگر نیز نشان

### بحث

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که مهم ترین علل اختلاف زوج های جوان از دید زوج به ترتیب؛ دخالت اطرافیان، عدم تفاهم اخلاقی، عدم تمکین،



تحصیلات دانشگاهی می باشد. در مطالعه ای که با عنوان بررسی عوامل موثر بر گرایش زوجین به طلاق در شهرستان داراب انجام شده نیز رابطه بین تحصیلات زن و گرایش به طلاق به طور مستقیمی معنادار شده است (۱۰).

رابطه سن ازدواج، اختلاف سنی، تعداد فرزندان، شیوه و میزان آشنایی و فاصله بین ازدواج تا زمان مراجعه به مرکز جهت حل اختلاف با سازش یا عدم سازش زوج ها در این مطالعه معنی دار نشده است، در حالیکه در مطالعه انجام شده در شهرستان داراب رابطه بین سن ازدواج زن، اختلاف سنی و شیوه آشنایی زوج ها با گرایش به طلاق زنان به طور مستقیمی معنادار شده، هم چنین رابطه معکوس معنی داری بین تعداد فرزندان، میزان آشنایی و مدت زندگی مشترک با گرایش به طلاق به دست آمد (۱۰) در مطالعات دیگر نیز اختلاف سنی بیش از حد معمول به خصوص جوان تر بودن مرد سبب ناهماهنگی عاطفی و ایجاد مشکلات بین زوجین شناخته شد (۱۱). علت این اختلاف نتایج علاوه بر تفاوت بافت فرهنگی - اجتماعی شهرهای مختلف، می تواند کم بودن تعداد نمونه های ما باشد. در مورد تعداد فرزندان نیز از آنجاکه در این مطالعه نمونه ها از بین زوج های جوان انتخاب شده که اکثر آنها فاقد فرزند بودند، رابطه معناداری بین متغیرهای مذکور دیده نشد. در مطالعات انجام شده در سایر کشورها نیز حتی با وجود اختلافات فرهنگی و مذهبی زیاد با کشور ما علل اختلافات زوج ها و گرایش به طلاق تا حدودی مشابه ما می باشد. در مطالعه ای که در امریکا انجام شده، زنانی که شاغل بودند بویژه آن هایی که شغل مهم تری داشتند و زنانی که سطح سواد پدرشان بالاتر بود گرایش بیشتری به طلاق داشتند که البته این بر خلاف داده های قبلی مبنی بر احتمال پایین تر بودن طلاق در شرایط اقتصادی - اجتماعی مناسب تر است (۱۲). ازدواج در سن پایین به خصوص ازدواج

داده شده است که ازدواج های نامناسب که در آن همسران از عدم همخوانی شخصیت هایشان رنج می برند یا مشکلات دیگری دارند، سبب مشکلات بهداشت روانی برای زوجین و فرزندانشان در طول زندگی خواهد شد و زمینه ساز اختلافات و مشکلات بعدی می گردد. اغلب افراد دچار مشکلات مختلف شخصیتی و روانی که فاقد بهداشت و سلامت روانی هستند نیز از خانواده های ناسالم برخاسته اند (۵). در مطالعه مشابهی در شهر تهران، کمی درآمد، کمی سواد، نداشتن فرزند، دخالت اطرافیان در زندگی، زندگی با خانواده شوهر و عدم مشورت مردان با زنان در امور زندگی در بروز اختلافات خانوادگی موثر شناخته شدند (۶).

در پژوهش دیگری با عنوان بررسی علل تقاضای طلاق زوجین که در شهرستان اراک انجام شده، عمده ترین دلایل تقاضای طلاق؛ عدم تفاهم، عدم علاقه، عدم اعتماد زوج، بیکاری و ازدواج اجباری بوده است (۷).

هم چنین در مطالعه انجام شده در شهر تبریز با عنوان بررسی علل و عوامل موثر در طلاق، نتایج نشان داده است که اعتیاد و لاپالایی گری همسر، بد رفتاری مرد، دخالت اطرافیان، عدم تمکین زن، عدم تفاهم اخلاقی، فقر مالی، ازدواج مجدد شوهر، بیکاری و نداشتن فرزند به ترتیب مهم ترین عوامل مسبب طلاق بوده اند (۸). مطالعات اداره بهداشت عمومی آمریکا نیز ارتباط معنی داری بین عدم سلامت روانی و طلاق نشان می دهد و رابطه عاطفی پایین زوجین را از معیارهای مهم ناموفق بودن ازدواج معرفی می کند (۹).

در این مطالعه رابطه میزان تحصیلات زن با سازش یا عدم سازش زوج ها معنی دار بود، بدین ترتیب که از مدرک تحصیلی ابتدایی تا دیپلم درصد سازش در زنان کاهش یافته ولی در زنانی که تحصیلات دانشگاهی داشتند درصد سازش زیاد شده بود که این احتمالاً به دلیل نقش مثبت



۴- شناسائی کامل طرف مقابل در دوران نامزدی و طرح ریزی برنامه های کلی آینده به منظور توافق بر روی معیارهای کلی.

۵- تشکیل کلاس های آموزش زندگی خانواده جهت آگاهی یافتن زوج ها نسبت به مسئولیت پذیری، اعتماد متقابل و رعایت حقوق یکدیگر در خانواده.

۶- برقراری روابط متعادل و مناسب با خانواده همسر.

۷- شناسائی عوامل مخل بهداشت روانی خانواده ها و توصیه روش های مقابله با آنها.

### سپاسگزاری

بر خود لازم می دانیم که از تمام کسانی که در انجام این تحقیق ما را یاری رسانند بویژه مدیریت سازمان بهزیستی استان یزد و نیز مدیریت و پرسنل مرکز مداخله در بحران بهزیستی تشکر و سپاسگزاری نماییم.

### منابع

۱- عملکرد طرح کاهش طلاق، سازمان بهزیستی استان یزد- معاونت امور اجتماعی، دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی، مرکز اورژانس خدمات اجتماعی، ۱۳۸۲

۲- عسکری حسین. نقش بهداشت روان در ازدواج و زندگی زناشویی و طلاق، چاپ اول، صفحه ۲۵۸، ۱۳۸۲.

۳- میرزایی محمد. نگاهی به آمار طلاق در ایران، فرهنگ و پژوهش، شماره ۱۶۹، صفحات ۵-۱، ۱۳۸۴.

۴- موسوی سید حسن. گزارش امور آسیب دیدگان اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه ریزی - ۱۳۸۴.

هایی که تنها بر مبنای احساسات صورت می گیرد (۱۱)، نداشتن فرزند، عدم رضایت جنسی مرد و داشتن عقاید نوگرا و متجددخواه در زنان از عوامل موثر در طلاق و مذهبی تر بودن زنان و پایبند بودن مردان به عقاید و ارزش های سنتی از عوامل بازدارنده طلاق ذکر شده است (۱۲). در مطالعه ما به علت مسایل فرهنگی و عرفی موجود در جامعه زوج ها از بیان رضایت یا عدم رضایت جنسی امتناع می کنند. در مطالعات دیگر بی علاقگی و بی اعتمادی به شوهر، نارضایتی از روابط زناشویی و فشارهای روانی وارد بر زنان (۱۳)، ازدواج در سن پایین و سابقه ازدواج قبلی (۱۴)، داشتن خصوصیات کینه توزانه، سردمزاجی و بی احساس و عاطفه بودن (۱۵) از عوامل موثر در گرایش به طلاق معرفی شده است.

در این مطالعه رابطه معنادار مستقیمی بین بعد خانوار زنان با سازش یا عدم سازش زوج ها به دست آمد که احتمالاً به وضع اقتصادی نامناسب خانواده های پرجمعیت برمی گردد چرا که معمولاً اعضای این خانواده ها برای کاستن بار اقتصادی، بدون توجه و بررسی جوانب مختلف تن به ازدواج می دهند که بعضاً جنبه تحمیلی نیز پیدا می کند و همین امر زمینه ساز اختلافات بعدی می شود که حتی با وجود اختلافات شدید، این زنان به دلیل شرایط خانوادگی و اقتصادی نامطلوب مجبور به سازش و ادامه زندگی هستند.

### پیشنهادات

۱- مطالعات و بررسی بیشتر در این زمینه بویژه مسایل مربوط به روابط زناشویی و رضایت جنسی.

۲- ممانعت از ازدواج در سنین پائین و ازدواج های تحمیلی.

۳- شناخت کامل و همه جانبه طرف مقابل در زمینه های اخلاقی، رفتاری، میزان ایمان و اعتقاد با تحقیق و بررسی دقیق قبل از ازدواج و تجزیه و تحلیل مسائل اساسی.



- ۵- عظیمی سیروس. مباحث اساسی در روانشناسی "رفتارشناسی". چاپ سوم، صفحه ۱۳۷۵، ۱۵۵.
- ۶- ده بزرگی صمد. طرح کاربردی شناخت عوامل موثر در بروز اختلافات خانوادگی. دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۵۵.
- ۷- مددی حسین. بررسی علل تقاضای طلاق زوجین (دیدگاه اقتصادی-اجتماعی) در شهرستان اراک در نیمه دوم سال ۱۳۷۸. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۸۰.
- ۸- اصغری کردلو عفت، علیزاده پروین، مرزوقی فاطمه. طرح کاربردی بررسی علل و عوامل موثر در طلاق در شهر تبریز. صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه ای، ۱۳۷۰.
- ۹- Driver JI, Gottman JM. *Daily marital interaction and positive affect during marital conflict among newlywed couples*. J Fam process ۲۰۰۴ sep; ۲۳(۳): ۳۰۱-۱۴
- ۱۰- ملتفت حسین. بررسی عوامل موثر بر گرایش زوجین به طلاق در شهرستان داراب. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده تحصیلات تکمیلی، ۱۳۸۱.
- ۱۱- کشمیری. مشاوره و روانشناسی خانواده، نقش بهداشت در خانواده. Available from : [www.ofc.ir/fa/artict.\(2007/12/2\)](http://www.ofc.ir/fa/artict.(2007/12/2))
- ۱۲- Corley CJ, Woods AY. *Socioeconomic, sociodemographic and attitudinal correlates of the tempo of divorce*. J Divorce & Remarriage ۱۹۹۱; ۱۶(۱-۲): ۴۷-۶۸.
- ۱۳- Kurdek LA, Kennedy C. *Differences between couples who end their marriage by fault or no-fault legal procedures*. J Fam Psychol ۲۰۰۱ Jun; ۱۵(۲): ۲۴۱-۵۳.
- ۱۴- Haskey J. *The proportion of married couples who divorce: past patterns and current prospects*. J Popul Trends ۱۹۹۶ Spring; (۸۳): ۲۵-۳۶.
- ۱۵- Gottman JM. *The roles of conflict engagement, escalation, and avoidance in marital interaction: a longitudinal view of five types of couples*. J Consult Clin Psychol ۱۹۹۳ Feb; ۶۱(۱): ۶-۱۵.





## ***Assessing Causes of Marital Conflict as a Threat against Marital Mental Health in View of the of Newly-Wed Couples in Yazd (۲۰۰۳-۲۰۰۵)***

Vakili M\* (M.D) – Rahai Z\*\* (B.S) - Mohammadi S \*\* (B.S)

\*Assistant Professor (Shahid Sadoughi University of Medical Sciences and Health Services – Yazd)

\*\*Master of Sciences Student of Health Education in Shahid Sadoughi University of Medical Sciences and Health Services – Yazd

### **Abstract**

Marriage is the most important social relationship for meeting the adults' affective needs. Marital conflict and divorce are problems of great magnitude in our society. Vital statistics shows an increasing rate of divorce in Iran. Divorce rate in Yazd is higher than its average in Iran. This study investigated the causes of marital conflict in the newly-wed couples in Yazd.

This cross-sectional study was carried out on all ۲۵۰ newly-wed couples referring to Yazd marital counseling center for their marital conflicts in ۲۰۰۳-۲۰۰۵. A data collection form consisting of demographic data and open-ended questions about causes of conflict was used for data collection. Collected data were analyzed by SPSS software with appropriate statistical tests such as t-test, ANOVA and chi-square. The results showed that the most important and the most prevalent causes of conflict revealed by husbands were family interventions (۱۶,۸%), unresponsiveness (۷,۲%), lack of deference (۶,۸%) and lack of interest (۴,۴%). Wives underscored the following causes; family interventions (۱۸,۸%), violence (۱۸,۴%), unresponsiveness (۱۱,۶%), addiction (۱۱,۲%) and pessimism of their husbands (۸,۸%).

With the interventions of the counseling center, ۳۴,۱% of the couples remained married. The results indicated that the relationship between marriage/divorce with job, marriage age, age difference, number of children, history of divorce in family, familiarization method, duration between wedlock and wedding, relationship with the couple family, history of addiction, first conflict and marital duration was not significant. The relationship between being married with education level and parental family size of wives was significant ( $P < 0,05$ ). The relationship between previous marriage and history of crime in husbands and compulsory marriage in couples with divorce was also significant ( $P < 0,05$ ).

As the results indicate, for promotion of marital mental health and decreasing marital conflict and divorce in society, youths should be careful in their marriage with identification of behavioral trait and future plans of each other before wedlock, as well as cultural and religious beliefs of the spouse and his/her family. Cultural organizations should construct mental health promotion courses for newly-wed couples and instruct them. their duties and responsibilities in marital life as well as problem solving skills.

**Key words:** Conflict – Divorce – Mental Health – Newlywed couples – Yazd.